

در سال پیامبر اعظم چه کردیم؟!

سید مهدی حسینی

سال ۸۵ هرچه برکت داشت از نام مبارک و نورانی حضرت خاتم النبیین علیه افضل الصلوات والتحيات بود و این روزها هرچه می گذرد، برکات معنوی آن بر اهل معنا بارزتر و روشن تر می شود. اما این که همگان به چه قدر و میزان از این برکات بهره بردند، و این که خواص و بزرگان و مسئولان محترم به چه میزان زمینه بهره مندی دیگران را از این برکات بی شمار فراهم کردند، سوالی است که باید از خود و دیگران پرسید. در این سطرها نیز به دنبال همین پاسخ ایم؛ هرچند مطمئنیم در این فرصت کم و بضاعت محدود، نمی توان هیچ پاسخ روشنی ارائه کرد.

بی تردید، سال مزیّن به نام حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرصت مناسبی بود برای تحقق یک آرمان همیشگی؛ و آن تجلی یافتن رفتارهای الهی حضرات معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وجود «مای» که شیعه آنانیم.

بسیاری از رسانه ها بویژه صداوسیما می در این راه سعی کردند سنگ تمام بگذارند و نام حضرت را زبازند عموم کنند، نمونه اش ده ها برنامه و میزگردی بود که عطر نام و یاد پیامبر را به هر خانه و محفلی می برد و می پراکنند. فکر می کنم با این مثال، زمینه ذهنی مناسبی برای طرح موضوع فراهم شد. زبان زد کردن، در افواه انداختن و همه جا از پیامبر سخن گفتن و... کاری بود که رسانه ها در آن موفق بودند هرچند تعدادی از آن ها به راه کارهای عمیق و جدی تر نیز پرداختند که مرسوم ترین آن درج مقاله به تناب در صفحات مجلات و روزنامه هایشان بود؛ بنابراین می توان گفت در پرشور کردن سال و عمومیت بخشی به موضوع

در میان آحاد مردم موفق بوده ایم اما این فقط قدم اول بود اما در قدم های بعد، چه؟! نکته همین جاست. آیا مثل همیشه با شعار و پلاکارد و تبلیغات صوری سال را با نام حضرت رسول گذرانیدیم یا کارهای جالب و تأثیرگذار هم در شناخت حضرت رسول داشتیم؟ آیا رفتار ایشان فرهنگ جاری جامعه شد؟! آیا میزان شناخت جامعه به رفتار آن حضرت و الگوگیری آنان نیز کیفیت و کمیت قابل ملاحظه ای یافت یا...؟ خلاصه این که الگوهای رفتاری ایشان از «شعار» به «فرهنگ» انجامید؟! جزئی تر بگوییم؟!

این که با وجود این همه تبلیغات و شعار، چرا هنوز رفتار نبوی، فرهنگ غالب جامعه ما نشده، نکته ای است قابل تأمل و یا حداقل سوالی است در هاله ای از ابهام که البته می توان پاسخ آن را در رفتار خود و دیگران جستجو کرد. باید از خود شروع کرد و نباید بار پاسخ گویی را صرفاً به دوش متولیان فرهنگ و هنر کشور گذاشت، هرچند اینان می توانستند با برنامه ریزی دقیق، کارآمد و مداوم، جامعه را به اهداف یاد شده سوق دهند، اما آن چه زمینه ساز اصلی تحقق آن هدف است، احساس انگیزه و نیاز و نیز شور معنوی آحاد مردم است، چیزی که اکنون در حکم کیمیاست و یافت می نشود جسته ایم ما... می توان گفت جامعه ما، به طور عام مگر شماری از مردم که مستثنی از آن اند، گرفتار غفلتی فراگیر نسبت به اصول و ارزش های معنوی شده است (به استثنایی که یادآور شدیم توجه داشته باشید تا مطلب برایتان باورپذیر و قابل هضم باشد!) حقیقت این است که امروزه بزرگترین دغدغه مردم ما گذران زندگی و به عبارت واضح تر، تناسب دخل و خرج است و مشغول شدن ذهن ها به این هدف زمینی، نگاه ها را از رفعت و شکوه آسمان زندگی واقعی به شدت دور داشته است.

در این میان، بزرگترین تدبیر برای گردش مردم به سمت رفتارهای معنوی، می تواند طرح درست و کارآمد شیوه زندگی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و الگوسازی از رفتارهای الهی ایشان برای بشریت تشنه امروز باشد. اما متأسفانه ما در این باره به جز برخی تلاش های متناسب، هدف مند و ارزشی، در بسیاری موارد کج سلیقه، فرصت جوئی و رفتارهای سطحی برخی مراکز فرهنگی و نهادها را شاهد بوده ایم. اینان به جای تشخیص نیاز واقعی جامعه و فرونشاندن عطش امت اسلامی، حداکثر تلاش شان رفع تکلیف یا سودجویی و استفاده بهینه مالی از انگیزه های معنوی مردم بود.

سال حضرت رسول مثل سال امام علی به همان ترتیب - که ذکر شد - گذشت با تجربه هایی شیرین که در قیاس با هزینه های صرف شده بسیار خرد به چشم می آید. نمی دانیم بالاخره کی قرار است از حرف های دهن پرکن و تبلیغات میلیونی آن چنانی و بی نتیجه دست برداریم و با تدبیر و برنامه ریزی به تناسب نیازهای معنوی مردم جامعه سمت و سویی به فعالیت های فرهنگی بدهیم...؟!

رستاخیز سبز اصغر عرفان

نای کهنگی برگ های باطل شده تقویم به سرعت کوتاهی عمرها و با غصه غفلت آدم ها جای خودش را به بوی نوی روزشمار امسال سپرد و تاریخ آخرین آغاز مسافرت زمین در سبید و شصت و پنجمین روز پایان یافت. زمین در سیر زمان و به تدبیر گرداننده جهان، هر سال تن به رستاخیزی سبز می دهد. این ما هستیم که گاه سال ها در سایه بی خیالی زیر غبار غفلت به وادی نسیان دل می سپاریم. اکنون که بهار، شوق مند و بی قرار، با آینه ای در دست از حکمت و معرفت و شکفتن، یک بار دیگر فرصت تماشایش را به ما سپرده، شایسته است در شگرفی این همه رنگ و شکوه این همه عظمت، همراه با نو شدن تن پوش ها، سرزدن ریشه ها و سبز شدن بیشه ها بهار معنا را در سرزمین وجودمان جستجو کنیم و در ساحل پارسایی تن به طراوت پروردگار بسپاریم چرا که:

آید بهار و بپهرن بیشه نو شود

نوتر برآورد گل اگر ریشه نو شود

زیباست روی کامل سبزه کلاه نو

زیباتر آن که در سرت اندیشه نو شود

ما را غم کهن به می کهنه بشکنید

برحال ما چه سود اگر شیشه نو شود

برای خودمان چه کردیم؟!

محمدعلی کرمی

شاید این عادت ناخوب گریبان شما را هم گرفته باشد، این که همیشه خود را از چرخه دیدن و انتقاد بیرون بگذاریم و با عینک نقد، رفتارهای دیگران را قضاوت کنیم. این خود را ندیدن، این از دیگران انتظار داشتن و این خمودی و سستی آفتی است که امروز دامن گیر جامعه ما شده است. این که هی منتظریم دیگران حرکتی انجام دهند. چرا اصلاً به فکر خودمان نیستیم. این پرسش افسوس زاست و البته به جا که در سال پیامبر اعظم از خودمان بپرسیم برای خودمان چه کردیم؟ چقدر رفتار و گفتار و منش خویش را با سیره آن رسول اعظم هم ساز کرده ایم چقدر به آستان قدسی ایشان نزدیک شده ایم؟!

پیامبر آمده بود تا مکارم اخلاق را تمام کند. او رسالتش را با کمال تمام به اتمام رساند. برای همین بود که هر منصفی ایشان را می دید شایسته منش و بزرگواری اش می شد. اطرافیان با دیدن ما چه قدر یاد پیامبران می افتند. حالا هی بپرسید در سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چه کردید؟ من که در جواب این پرسش مشکل دارم.

